

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تقدم و تأخر نهادها در فرایند توسعه

حسین محمدی^۱

چکیده

نهادها نقش غیر قابل انکاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارند. نهادهای اقتصادی و سیاسی مناسب می‌توانند روی رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، کاهش فساد، بهبود توزیع درآمد و سایر شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه اثرگذار باشند. سوالی مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که با توجه به ابعاد مختلف و تأثیرات متفاوتی که نهادها می‌توانند در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظایر آن داشته باشند، تقدم و تأخر آنها در فرایند رشد و توسعه پایدار به چه صورت است. به عبارت دیگر، چنانچه جامعه‌ای بخواهد نهادهای موجود را اصلاح نماید، بیشتر روی کدام جنبه از این نهادها باید تمرکز و تأکید کند تا با اصلاح آن، روند بهبود نهادها در سایر بخش‌ها نیز فراهم گردد. در این مقاله به اختصار به این موضوع پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نهادهای اقتصادی، نهادهای سیاسی، توزیع منابع، رشد، توسعه.

۱- مقدمه

کمتز محققى است که در عرصه اقتصادی و سیاسی، در خصوص اهمیت و نقش نهادها در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، شک و تردیدی داشته باشد. نهادها چنانچه خوب طراحی و پیاده سازی شوند می‌توانند مشوق تولید و سرمایه‌گذاری بوده و در بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر نقش قابل ملاحظه ای ایفا نمایند. نهادهای شفاف و کارآمد منجر به کاهش فساد و تبعیض در جامعه شده و از این مسیر روند رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را بهبود می‌بخشند. اما به هر حال محققان ممکن است راجع به اینکه چه نهادهایی در کشورهای در حال توسعه باید ابتدا ایجاد شود، دچار شک و تردید باشند. در حالی که برخی بر تقدم نهادهای اقتصادی مثل ایجاد اتحادیه‌های قدرتمند کارگری یا تولیدی تأکید می‌ورزند، برخی صاحب‌نظران ممکن است بر تقدم نهادهای سیاسی یا حتی نهادهای اجتماعی و فرهنگی تأکید داشته باشند و توجیه آنها نیز بعضاً آن است که با ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و فرهنگی و بهبود فرهنگ عامه می‌توان به اصلاحات اقتصادی یا سیاسی در جامعه امید بیشتری داشت. در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که اولاً؛ اصلاحات در ساختار اقتصادی بدون ایجاد تغییرات و اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر نیست و ثانیاً؛ اصلاحات ساختاری و نهادی زمانی می‌تواند جلوه زیبا و واقعی خود را در رشد و توسعه کشور نمایان

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سازد که به صورت هماهنگ و همه جانبه اعمال گردد. درست مثل منشوری چندوجهی که در صورتی شفاف است و جلوه‌ای درخشان دارد که تمامی ابعاد و وجوه آن درخشان و تمیز باشد و وجود ناپاکی و کدوری یکی از وجوه، کل شفافیت این منشور را زیر سوال خواهد برد. بنابراین انجام این اصلاحات در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید مد نظر قرار گیرد و تنها در این صورت است که اصلاحات در هر یک از این ابعاد می‌تواند نتیجه آرمانی مورد انتظار را داشته باشد. اما در هر صورت نمی‌توان به این امید که همگی ساختارها و نهادهای یک جامعه توسعه نیافته بصورت هماهنگ باید اصلاح شوند، دست روی دست گذاشت و منتظر شرایط آرمانی شد. حرکت به سمت اصلاح ساختارها و نهادهای یک جامعه فرایندی تدریجی است که باید ضروریات و مقتضیات آن ایجاد شده و افراد و تصمیم‌گیرندگان جامعه زمینه لازم برای اصلاحات همه جانبه در سیستم‌های ناکارآمد را فراهم نمایند. تحت این شرایط چنانچه شروع اصلاحات با برخی از نهادهای موجود باشد، روند اصلاحات در سایر بخشها سریعتر و موفقتر خواهد بود و برعکس ممکن است چنانچه بخواهیم بدون یکسری اصلاحات مقدماتی فرضاً نهادهای اقتصادی را شروع به بازسازی و اصلاح نماییم، با مقاومت شدید ساختارهای سیاسی یا اجتماعی مواجه شویم. پس نقطه شروع کجا می‌تواند باشد؟ در این نوشتار به این موضوع پرداخته شده است.

سبحانی و بیات (۱۳۹۳) به مقایسه تاثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد که تاثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای نفتی، که عملکرد نهادهای آنها نامطلوب است، بیشتر از کشورهای صنعتی است که عملکرد نهادهای آنها در سطحی مطلوب قرار دارد. بنابراین باید اهتمام مجریان قانون اساسی در کشورهای نفتی به اجرای اصول مربوط به بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بسیار بیش تر از مجریان قانون در کشورهای صنعتی باشد.

مداح و دل‌قندی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که واکنش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به کیفیت نهادها در کشورهای عضو جی ۸ مثبت است، هم‌چنین کارآیی سیاست‌های اقتصادی مثل آزادسازی تجاری، افزایش نقدینگی و کاهش نرخ بهره واقعی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو گروه کشورها با وجود شرایط نهادی مناسب مثل ثبات سیاسی، کارآیی دولت و حاکمیت قوانین و مقررات افزایش می‌یابد.

شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی نقش نهادها روی رشد اقتصادی پرداخته و نتایج این مطالعه حاکی از آن است که شاخصهای نهادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است. در واقع، پیشرفت در هر یک از ابعاد نهادی (از طریق مشارکت مردم و ثبات سیاسی،

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اثربخشی دولت و سیاستگذاری مبتنی بر شناخت، حمایت از حقوق مالکیت مادی و فکری و کنترل فساد) بر رشد اقتصادی و تخصیص بهینه منابع از نظر آماری اثر مثبت و معناداری داشته است.

شریفی رنانی و ملا اسمعیلی دهشیری (۱۳۹۱) به مطالعه تاثیر نهادها بر صادرات غیرنفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک پرداختند. در نظریه های جدید تجارت بین الملل، صادرات تابعی از متغیرهای قیمتی و غیرقیمتی است. از متغیرهای غیرقیمتی که اخیراً مورد توجه اقتصاددانان نهادگرا قرار گرفته است، می توان به متغیرهای نهادی اشاره کرد. هدف این پژوهش بررسی آثار نهادها از قبیل کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی، بار مالی قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب اوپک است. در همین باره تاثیر نهادها بر صادرات غیرنفتی با استفاده از مدل رگرسیون مبتنی بر داده های تابلویی برای ۱۰ کشور اوپک برای سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد شاخصهای اثربخشی دولت و حاکمیت قانون اثر منفی و شاخصهای کیفیت قوانین و کنترل فساد اثر مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب دارند.

متوسلی و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی دلایل نهادی پایین بودن بهره وری در اقتصاد ایران پرداخته و اشاره کردند که بهره وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران به گواه مطالعات و آمارهای رسمی داخلی و خارجی پایین است. این پژوهش در پی استخراج چارچوبی برای تبیین دلایل این مسئله است. از نظر نورث برای بهبود بهره وری دو مجموعه نهادی باید اصلاح شوند: الف- نهادهای طرف عرضه: یعنی خلق یک ساختار نهادی و سازماندهی که فعالیت های تسهیل گر بهره وری را تشویق نماید. تغییرات طرف عرضه با کاهش هزینه های مبادله و تبدیل موجب بهبود بهره وری می شود. نهادهایی که هزینه های مبادله را کاهش می دهند عبارتند از: نهاد حقوق مالکیت، نهادهای مرتبط با عدم اطمینان و ریسک، نهادهای موثر بر تحرک سرمایه و نهادهای مرتبط با جریان شفاف اطلاعات. ضعف نهادهای فوق منجر به افزایش هزینه های مبادله شده و مانعی بر سر راه بهبود بهره وری تلقی می شود. نهادهایی که هزینه های تبدیل را کاهش می دهند، نیز شامل آن هایی هستند که امکان معرفی و بکارگیری تکنولوژی پیشرفته را فراهم می کنند. ب- نهادهای طرف تقاضا: تغییرات القاء شده از طرف عرضه در سازماندهی و تکنولوژی، هزینه ها و منافع درک شده افراد و گروه ها را در طول تاریخ تغییر می دهد و واکنش هایی را از طریق عمل گروهی یا فرایندهای سیاسی ایجاد می کند که بهره وری اقتصاد را متاثر می کند. به عبارت دیگر این گونه نهادها (ی رسمی و غیررسمی) تقاضا برای نهادهای گروه الف را در جامعه ایجاد می کنند. دستیابی به عملکردهای بالای بهره وری مستلزم وجود یک نظام سیاسی قابل دوام است که نهادهای اقتصادی لازم را ایجاد کند و تضمین های اجرایی موثر را فراهم نماید. مجموعه نهادهای مورد نیاز هر کشور نیز باید بر اساس دانش محلی و ویژگی های زمانی و مکانی آن کشور طراحی شوند. نظام

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سیاسی مشارکتی موثرترین سازوکار برای فرآوری و تجمیع دانش محلی به منظور طراحی چنین نهادهایی است.

مداح (۱۳۸۹) در بررسی رابطه کیفیت نهادها و فساد اقتصادی، رابطه میان فساد اقتصادی و کیفیت نهاد های اقتصادی شامل: کارایی دولت، کیفیت اجرای قانون در بخش دولتی و حاکمیت قانون را با استفاده از یک مدل ارتباطات خطی ساختاری (LISREL) در سطح ۳۵ کشور از جمله ایران با استفاده از داده های سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. نتایج مطالعه وی نشان داد که اثر نهایی کیفیت نهادی بر اندازه فساد اقتصادی معادل (۰/۲۶-) می باشد. این یافته بیانگر آن است که: ارتباط غیر مستقیمی میان کیفیت نهادهای اقتصادی با فساد اقتصادی در سطح کشورها از جمله ایران وجود دارد به طوری که با بهبود کیفیت نهاد های اقتصادی، فساد اقتصادی کاهش یافته است. نتایج مقاله اثر منفی و معنی دار فساد بر تولید را نیز تایید کرده است به نحوی که افزایش فساد با ضریب (۱/۱۳-) تولید ناخالص داخلی واقعی در سطح کشورها را کاهش داده است که در این میان بهبود کیفیت نهادی بر تولید واقعی کشورها با ضریب (۰/۲۹) اثر مثبت داشته است.

محمدی (۱۳۸۹) به بررسی دلایل تفاوت نهادهای اقتصادی و سیاسی در جوامع مختلف پرداخته و با طرح مفهوم نهادها و نقش دولت در تکامل و یا تخریب نهادها، به بررسی دلایل متفاوت بودن نهادها پرداخته است. نتیجه این بحث آن است که در کشورهایی که دارای نهادهای اقتصادی و یا سیاسی ضعیف بوده اند، حکمرانان این کشورها، نهادهای حاکم را به دلیل منفعت رساندن به عده قلیلی از گروههای سیاسی با هزینه بخش عمده ای از جامعه انتخاب کرده و بعضاً علی رغم اثبات ناکارمندی این نهادها، تلاشی در جهت بهبود و یا تغییر آنها انجام نداده و اگر تلاشی نیز انجام داده اند به نتیجه خاصی نرسیده است. محدودیت بر قدرت سیاسی، حمایت از حقوق مالکیت بخش خصوصی، محدود کردن رانت های اقتصادی و سیاسی از جمله پیشنهادات حرکت به سمت نهادهای اقتصادی و سیاسی بهتر بوده است.

صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)، به بررسی تاثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف جهان طی دوره زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۱ پرداختند. نهادها اعم از اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعیین کننده انگیزه ها و محدودیت های فعالیت های اقتصادی بوده و بخش عمده ای از تفاوت در نرخهای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی بین کشورها را توضیح می دهند. به منظور بررسی عملکرد نهادها بر مبنای ادبیات موضوع شاخصهای مناسبی انتخاب شده و در الگوهای رشد مورد استفاده قرار گرفته اند. این شاخصها آزادی اقتصادی، شاخص ثبات سیاسی و شاخص حاکمیت قانون بودند. نتایج حاصل از تحقیق نشان دهنده ارتباط معنی دار رشد بلند مدت اقتصادی با عملکرد نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی است.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

برخی نتایج مهم مطالعات انجام شده در این قسمت به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- بهبود شاخص‌های نهادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای مختلف جهان داشته است.
- ۲- ارتباط غیر مستقیمی میان کیفیت نهادهای اقتصادی با فساد اقتصادی در کشورهای مختلف از جمله ایران وجود دارد به طوری که با بهبود کیفیت نهاد های اقتصادی، فساد اقتصادی کاهش یافته است.
- ۳- شاخصهای کیفیت قوانین و کنترل فساد اثر مثبت و معنادار بر صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب دارند.
- ۴- کارآیی سیاست های اقتصادی در جذب سرمایه گذاری در کشورهای مختلف با وجود شرایط نهادی مناسب مثل ثبات سیاسی، کارآیی دولت و حاکمیت قوانین و مقررات افزایش می یابد.
- ۵- دستیابی به عملکردهای بالای بهره وری مستلزم وجود یک نظام سیاسی قابل دوام است که نهادهای اقتصادی لازم را ایجاد کند و تضمین های اجرایی موثر را فراهم نماید. مجموعه نهادهای مورد نیاز هر کشور نیز باید بر اساس دانش محلی و ویژگی های زمانی و مکانی آن کشور طراحی شوند. نظام سیاسی مشارکتی موثرترین سازوکار برای فرآوری و تجمیع دانش محلی به منظور طراحی چنین نهادهایی است.
- ۶- محدودیت و کنترل بر دارندگان قدرت سیاسی، حمایت از حقوق مالکیت بخش خصوصی، محدود کردن رانت های اقتصادی و سیاسی از جمله اقدامات اولیه و ضروری برای حرکت به سمت ایجاد و گسترش نهادهای اقتصادی و سیاسی بهتر است.
- ۷- اهتمام مجریان قانون اساسی در کشورهای نفتی به اجرای اصول مربوط به بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بسیار بیش تر از مجریان قانون در کشورهای صنعتی باشد.

۲- مبانی نظری

یکی از مشکلات اساسی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، کمبود و یا فقدان یکسری نهادها و یا زیرساخت های لازم برای فعالیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظایر آن است. اگر جامعه ای بخواهد در زمینه اصلاح نهادهای موجود حرکتی انجام بدهد، علاوه بر اینکه باید ساختارها و نهادهای مطلوب برای رشد و توسعه پایدار را بشناسد، باید شناخت مناسبی از وضعیت موجود نهادها در جامعه و شیوه اصلاح تدریجی آنها داشته باشد. نهادهای ایجاد شده توسط حکومت یا مردم، چارچوب فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در یک جامعه شکل می دهند. نهادهای خوب محیطی را ایجاد می کنند که فعالیتهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تولید و در مجموع رشد و توسعه اقتصادی کشور تحریک و تشویق می شود و نهادهای بد نیز منجر به رکود اقتصادی، بیکاری و معضلات متعدد اقتصادی می شوند. نهادهای بد در دوره های مختلف علائم خود را در اشکال متفاوتی جلوه می نمایند که درمان ظاهری این علائم اگر چه به طور موقت ممکن است نشانه های مشکلات را کاهش دهد اما اصل مشکل همچنان پابرجاست و هر چند وقت یکبار به شدت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خودنمایی می‌کند. اینکه پدیده‌هایی مثل تورم، رکود اقتصادی، بیکاری، مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری، وابستگی به نفت، حجم زیاد دولت، نرخ پایین رشد اقتصادی و مواردی از این قبیل مشکلات دائمی یک کشور می‌شود و سیاست‌های مختلف پولی، مالی و یا درآمدی توانی برای درمان آن ندارد، نشانه‌ای از وجود مشکلات عمیق‌تر در سیستم اقتصادی جامعه است که همان مشکلات نهادی است. طبق برداشتی از قانون مشهور گودهارت^۱ چنانچه علائم یک بیماری یا مشکل در اقتصاد درمان شود و اصل مشکل تشخیص و درمان نشود این بیماری بعداً با نشانه‌های وخیم‌تر خود را نشان داده و درمان آن به مراتب دشوارتر خواهد بود. از این رو راهی نیست جز آنکه برای بهبود شرایط اقتصادی جامعه در جهت اصلاح نهادهای موجود اقدام نمود.

مشخصه ادبیات اخیر رشد و توسعه اقتصادی، تلاش برای شناسایی نهادهایی است که بخش قابل توجهی از تفاوت‌های مشاهده شده در استانداردهای زندگی مردم بین کشورهای مختلف را توضیح می‌دهند. این تفاوت در استانداردهای زندگی کشورهای مختلف از ۳۵ برابر تا ۹۴ برابر در نوسان است.^۲ به عنوان نمونه درآمد سرانه کشور آمریکا در سال ۱۹۸۸ حدود ۳۵ برابر درآمد سرانه در کشور نیجر بوده است و این تفاوت گسترده به تفاوت در نهادهای اقتصادی و سیاسی این دو کشور نسبت داده شده است.

در حالی که تعاریف ارائه شده در خصوص نهادها در مطالعات مختلف ممکن است با یکدیگر متفاوت باشد، اما نتایج مشابه است. نهادها از لحاظ اقتصادی و آماری می‌توانند تفاوت‌های قابل ملاحظه درآمد سرانه بین کشورهای مختلف را توضیح دهند. نهادهایی که مرتبط با عملکرد اقتصادی هستند، عمدتاً به معیارهایی چون کیفیت بوروکراسی (تشریفات اداری)، فساد، حقوق مالکیت، اندازه دولت، ریسک سرمایه‌گذاری و تولید و آزادی تجارت مرتبط هستند. اگر چه مطمئناً جالب است مشخص کنیم که کشورهای در حال توسعه با توجه به ساختارهای خاص خود فاقد چه نوع نهادهایی هستند، اما ادبیاتی جامع که نهادهای موجد موفقیت اقتصادی در جوامع توسعه یافته را تحلیل نماید، وجود ندارد. در ادامه برخی از نکات مهم در خصوص نهادهای اقتصادی و سیاسی که در مطالعات مختلف به آنها اشاره شده است، ذکر می‌گردد^۳؛

۱- نهادهای اقتصادی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارند زیرا این نهادها شکل دهنده انگیزه‌های عوامل کلیدی اقتصادی می‌باشند. به طور مشخص این نهادها روی سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و همچنین تکنولوژی و سازماندهی تولید، اثرگذار هستند. اگر چه مسائل فرهنگی و جغرافیایی نیز ممکن است در عملکرد اقتصادی حائز اهمیت باشند، اما تفاوت در نهادهای اقتصادی، منبع

1. Goodharts law

2. Hall and Jones (1999) or Caselli (2005)

3. Daron Acemoglu, Simon Johnson, James Robinson, 2005.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اصلی تفاوت بین کشورها در عملکرد اقتصادی و رفاه آنها به شمار می‌آید. نهادهای اقتصادی نه تنها تعیین کننده رشد اقتصادی بالقوه در یک اقتصاد هستند بلکه نشان دهنده پیامدهای اقتصادی که شامل توزیع منابع آینده است (یعنی توزیع ثروت، سرمایه‌های فیزیکی یا سرمایه‌های انسانی) نیز می‌باشند. به عبارت دیگر نهادها نه تنها روی اندازه کل کیک اثر می‌گذارند بلکه روی این که چگونه کیک بین گروه‌های مختلف تقسیم شود نیز اثر گذار هستند. از این رو:

نهادهای اقتصادی در دوره t \Leftarrow عملکرد اقتصادی در دوره t و توزیع منابع در دوره $t+1$

۲- نهادهای اقتصادی درونزا هستند. این نهادها به عنوان انتخاب‌های جمعی جامعه تا حد زیادی برای پیامدهای اقتصادی‌شان تعیین و انتخاب می‌شوند. البته تضمینی نیست که تمامی افراد و گروه‌های یک جامعه، مجموعه یکسانی از نهادهای اقتصادی را ترجیح دهند، زیرا نهادهای مختلف اقتصادی باعث توزیع متفاوت منابع جامعه خواهند شد. در نتیجه ممکن است نوع تضاد در منافع بین گروه‌ها و افراد مختلف برای انتخاب نهادهای اقتصادی وجود داشته باشد. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که نهادهای اقتصادی تعادلی چگونه تعیین می‌شوند؟ به عنوان مثال اگر دو گروه مخالف هم از ترجیحات و سلیق برای انتخاب نهادهای اقتصادی وجود داشته باشد، ترجیحات کدام گروه غالب خواهد بود؟ پاسخ این پرسش به قدرت سیاسی دو گروه بستگی دارد. اگر چه کارامدی یک مجموعه از نهادها در مقابل دیگری ممکن است روی این انتخاب اثر گذار باشد، اما قدرت سیاسی داور نهایی در این زمینه است. هر گروهی که قدرت سیاسی بیشتری داشته باشد، احتمالاً مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که ترجیح می‌دهد را حفظ می‌نماید. از این رو:

قدرت سیاسی در دوره t \Leftarrow نهادهای اقتصادی در دوره t

۳- همانگونه که اشاره شد قدرت سیاسی در یک دوره می‌تواند روی شکل‌گیری نهادهای اقتصادی تاثیر گذار باشد. به هر طریق بحث ضمنی در این نظریه که قدرت سیاسی تعیین کننده نهادهای اقتصادی است، این ایده است که منافع متضادی در توزیع منابع و از این رو به طور غیر مستقیم در مجموعه نهادهای اقتصادی وجود دارد. اما این سوال مطرح می‌شود که چرا گروه‌های با منافع متضاد، روی مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که رفاه جامعه را حداکثر نماید توافق نمی‌کنند (روی اندازه کل کیک) و سپس قدرت سیاسی خود را برای توزیع منافع بین خود به کار گیرند؟ چرا بکارگیری قدرت سیاسی در تعیین نهادهای اقتصادی یک جامعه معمولاً به عدم کارایی اقتصادی منجر می‌شود؟ دلیل این موضوع آن است که دارندگان قدرت سیاسی معمولاً تعهدی ندارند که منافع خود و گروه‌های حامی را در راستای منافع جامعه تنظیم نمایند، زیرا این منافع بعضاً با هم در تضاد هستند. از این رو تعقیب منافع حزبی و سیاسی به بهای کاهش منافع جامعه تمام خواهد شد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۴- توزیع قدرت سیاسی در جامعه نیز به شکل درونزا است. در این جا تمایز بین دو جزء از قدرت سیاسی که آنها را قدرت سیاسی قانونی و قدرت سیاسی عملی می نامیم، مفید است. قدرت سیاسی قانونی اشاره به قدرتی است که از نهادهای سیاسی یک جامعه نشأت گرفته باشد. نهادهای سیاسی همانند نهادهای اقتصادی تعیین کننده محدودیت‌ها و انگیزه‌های بازیگران کلیدی در عرصه سیاسی است. نمونه‌هایی از نهادهای سیاسی شامل شکل‌های مختلف دموکراسی و یا اتوکراسی است. بنابراین این بحث اشاره به آن دارد که:

نهادهای سیاسی در دوره $t \Leftarrow$ قدرت سیاسی قانونی در دوره t

۵- در مورد قدرت سیاسی در مقایسه با نهادهای سیاسی نکات بیشتری وجود دارد. یکسری گروهها در جامعه حتی اگر از جانب نهادهای سیاسی مثل قانون اساسی به آنها قدرتی اختصاص داده نشده باشد، با وجود این ممکن است که دارای قدرت سیاسی قابل ملاحظه ای باشند. این گروهها اگر چه در ظاهر از قدرت سیاسی قانونی پیروی می کنند، اما در مواقع لزوم می توانند با ایجاد کودتا، آشوب و نظایر آن، هزینه های اقتصادی و سیاسی زیادی را بر جامعه تحمیل نمایند. تجربه کودتاگران در کشورهایی چون مصر، پاکستان نشان دهنده قدرت عملی این گروه ها است. به این نوع از قدرت سیاسی، قدرت سیاسی عملی اطلاق می شود. قدرت عملی یک گروه، عمدتاً به منابع اقتصادی آن وابسته است که تعیین کننده توانایی آنها در استفاده (یا سوء استفاده) از نهادهای سیاسی موجود است. از این رو:

توزیع منابع در زمان $t \Leftarrow$ قدرت سیاسی عملی در زمان t

از این رو چنانچه یک جامعه بخواهد قدرت سیاسی عملی گروههای خاصی را در جامعه محدود سازد، باید نسبت به توزیع منابع مخصوصاً برای این گروهها، تجدید نظر جدی نماید.

۶- بررسی نکات فوق می تواند سیر تکامل یکی از متغیرهای اصلی چارچوب بحث یعنی نهادهای سیاسی را مشخص نماید. متغیر اصلی دیگر نیز توزیع منابع است. نهادهای سیاسی و توزیع منابع به کندی تغییر کرده و مهمتر آنکه تعیین کننده نهادهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی هم به صورت مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم می باشند. درک اثر مستقیم آنها به راحتی امکان پذیر است. چنانچه نهادهای سیاسی تمام قدرت سیاسی را در دست گروههای معدودی قرار دهد، نهادهای اقتصادی که تامین کننده حفاظت از حقوق مالکیت و برابری فرصت‌ها برای تمام اقشار جامعه است، به سختی ایجاد شده و حمایت نخواهند شد. اثر غیرمستقیم نیز از طریق کانالهای بحث شده در بالا عمل می نماید: نهادهای سیاسی تعیین کننده توزیع قدرت سیاسی عملی هستند که در روی انتخاب نهادهای اقتصادی اثرگذار است. بنابراین چارچوب فوق یک مفهوم طبیعی از سلسله

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مراتب نهادها^۱ را معرفی می‌کند که نهادهای سیاسی روی نهادهای اقتصادی تعادلی اثر گذاشته و آنگاه پیامدهای اقتصادی را تعیین می‌کنند.

۷- نهادهای سیاسی نیز اگر چه به آرامی تغییر می‌کنند اما آنها نیز به صورت درونزا هستند. جوامع از شکل دیکتاتوری به دموکراسی گذار کرده و با تغییر قانون اساسی‌شان یکسری محدودیت‌هایی را بر دارندگان قدرت وضع می‌نمایند. از این رو همانند نهادهای اقتصادی، نهادهای سیاسی نیز انتخابهای جمعی هستند و توزیع قدرت سیاسی در جامعه عامل تعیین کننده کلیدی در سیر تکاملی آنها است. این موضوع یک گرایش برای دوام را ایجاد می‌کند: نهادهای سیاسی قدرت سیاسی قانونی را تخصیص داده و کسانی که دارای قدرت سیاسی هستند، روی سیر تکامل نهادهای سیاسی اثر گذار هستند و غالباً آنها از نهادهای سیاسی حمایت می‌کنند که قدرت سیاسی را به آنها بدهد. به هر حال باید توجه داشت که قدرت سیاسی عملی، برخی از اوقات باعث ایجاد تغییرات در نهادهای سیاسی می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که عدم تعادل در قدرت باعث یک انقلاب یا تهدید به یک انقلاب می‌شود، باعث ایجاد یکسری اصلاحات اساسی در نهادهای سیاسی می‌شود که غالباً روی شیوه کارکرد نهادهای سیاسی موجود اثر می‌گذارد. با خلاصه کردن این بحث خواهیم داشت:

قدرت سیاسی در زمان $t \Leftarrow$ نهادهای سیاسی در زمان $t+1$

با قرار دادن تمام این بخش‌ها در کنار یکدیگر الگوی کلی و ساده چارچوب طرح شده در این بخش به شکل زیر است:

نهادهای سیاسی در دوره t + توزیع منابع در دوره $t \Leftarrow$ قدرت سیاسی قانونی و قدرت سیاسی عملی در دوره t

قدرت سیاسی قانونی و قدرت سیاسی عملی در دوره $t \Leftarrow$ نهادهای اقتصادی در دوره t + نهادهای سیاسی در دوره $t+1$

نهادهای اقتصادی در دوره t + نهادهای سیاسی در دوره $t+1 \Leftarrow$ عملکرد اقتصادی در دوره t + توزیع منابع در $t+1$

دو متغیر توضیحی اصلی در این سیستم، نهادهای سیاسی و توزیع منابع هستند و شناخت این دو متغیر در زمان t برای تعیین دیگر متغیرهای سیستم کفایت می‌کند. در حالی که نهادهای سیاسی تعیین کننده توزیع قدرت سیاسی قانونی در یک جامعه هستند، توزیع منابع روی توزیع قدرت سیاسی عملی در زمان t اثر می‌گذارد. این دو منبع از قدرت سیاسی روی انتخاب نهادهای اقتصادی اثر گذاشته و روی سیر تکاملی آتی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نهادهای سیاسی تاثیر گذار هستند. نهادهای اقتصادی تعیین کننده نتایج و عملکردهای اقتصادی از جمله نرخ رشد اقتصاد و توزیع منابع در زمان $t+1$ هستند. از این رو اگر چه نهادهای اقتصادی عوامل اصلی شکل دهنده نتایج اقتصادی هستند اما خود آنها درونزا بوده و توسط نهادهای سیاسی و توزیع منابع در جامعه تعیین می شوند.

دو دلیل اصلی برای تداوم رفتار این سیستم وجود دارد: اول آنکه نهادهای سیاسی معمولاً با دوام اند و به طور مشخص تغییراتی گسترده در توزیع قدرت سیاسی، برای ایجاد تغییر در نهادهای سیاسی لازم است. دوم آنکه وقتی یک گروه خاص در مقایسه با سایر گروهها دارای ثروت (منابع مالی) بیشتری است، قدرت سیاسی عملی این گروه افزایش یافته و قادر است تا نهادهای اقتصادی و سیاسی مورد علاقه اش را در جامعه وضع و گسترش دهد. علی رغم این گرایشات برای تداوم، یک نیروی بالقوه برای تغییر این سیستم، شوکهایی از قبیل تغییرات تکنولوژی و محیط بین المللی است که توازن قدرت سیاسی عملی را در جامعه تغییر می دهند و این تغییرات می تواند به تغییرات اساسی در نهادهای سیاسی و از این رو نهادهای اقتصادی منجر شوند.

۳- جمع بندی و نتیجه گیری

در دنیای در حال تغییر کنونی، افراد و گروههای مختلف اقتصادی و سیاسی نه تنها از منافع اقتصادی امروز، بلکه از منافع اقتصادی آینده نیز مراقبت می کنند. استفاده از قدرت سیاسی برای تغییر نهادهای سیاسی، به عنوان یک استراتژی موثر در کسب منافع حال و آینده مطرح است. از این رو مطابق مباحث انجام شده، یکی از منابع اصلی تغییر نهادهای اقتصادی، تغییر و اصلاح نهادهای سیاسی است که می تواند با کنترل قدرت سیاسی، روی نهادهای اقتصادی و عملکردهای اقتصادی تأثیر گذار باشد.

این چارچوب اگر چه به شکل بسیار ساده و خلاصه است اما باعث می شود جوابهایی برای این سوال اساسی پیدا کنیم که؛ چرا برخی جوامع نهادهای اقتصادی خوب و برخی نهادهای اقتصادی بد را انتخاب می کنند. اگر فرض کنیم که نهادهای اقتصادی خوب آنهایی اند که امنیت حقوق مالکیت و دستیابی عادلانه به منابع و فرصت های اقتصادی را برای اکثریت افراد و گروههای جامعه فراهم می نمایند، در این صورت می توان به یک پاسخ برای این پرسش اصلی رسید.

اول آنکه نهادهای سیاسی که بر دارندگان قدرت سیاسی اعمال نظارت و کنترل می کنند (به عنوان مثال با توازن قدرت در جامعه)، برای ظهور نهادهای اقتصادی خوب، مفید و حائز اهمیت هستند. طبیعی است که بدون نظارت بر دارندگان قدرت سیاسی، دارندگان قدرت به احتمال زیاد مجموعه ای از نهادهای اقتصادی را بر می گزینند که برای خود و گروههای حامی شان مفید بوده و برای سایر اقشار جامعه زیان آور باشد. در نهایت این موضوع باعث می شود که حقوق مالکیت بخش عمده ای از افراد جامعه تامین نشود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دوم اینکه نهادهای اقتصادی خوب به احتمال بیشتر هنگامی ظهور می‌یابند که قدرت سیاسی در دست گروه‌های نسبتاً گسترده‌تر با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر باشد. علت آن است که با ثابت بودن سایر شرایط، در این حال دارندگان قدرت خودشان نیز از حقوق مالکیت ایمن منتفع خواهند شد.

سوم اینکه نهادهای اقتصادی خوب با احتمال زیاد هنگامی به وجود آمده و تداوم می‌یابند که فرصت‌های کسب رانت در جامعه کمتر وجود داشته باشد، زیرا اینگونه رانت‌ها گروه‌های رانت طلب را تشویق می‌کند که نوعی از نهادهای اقتصادی را برگزینند که موجد فرصت‌های بیشتر برای کسب رانت و بهره برداری از منابع جامعه برای یک گروه خاص در مقابل زیان اکثریت باشند. برای اینکه فرصت‌های رانت کمتری در جامعه وجود داشته باشد، شفافیت بیشتر در فرایندهای سیاسی و اقتصادی و تسهیل کارکردهای مربوطه از طرق مختلف از جمله گسترش رسانه‌های خبری می‌تواند مفید واقع گردد.

از این رو در فرایند اصلاح ساختار نهادهای اقتصادی و سیاسی در جامعه برای دستیابی به نتایج و عملکردهای اقتصادی مناسب‌تر، اصلاح نهادهای سیاسی، نظارت بر دارندگان قدرت سیاسی با گسترش گروه‌های سیاسی در جامعه، کاهش قدرت سیاسی عملی برای گروه‌های ذی نفوذ از طریق انجام اصلاحات در توزیع منابع می‌تواند مفید واقع گردد.

منابع:

- ۱- جعفری صمیمی، احمد و آذرمند، حمید(۱۳۸۴). بررسی تاثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای جهان، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۶.
- ۲- سبحانی، حسن و بیات، سعید(۱۳۹۳). مقایسه تاثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، شماره ۱۲۴.
- ۳- شاه آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله(۱۳۹۱). نهادها و رشد اقتصادی، مطالعه داده های تابلویی، نشریه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳۲.
- ۴- شریفی رنانی، حسین و ملاسمعیلی دهشیری، حسن(۱۳۹۱). اثر نهادها بر صادرات غیرنفتی در کشورهای منتخب عضو اوپک، نشریه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳۲.
- ۵- مداح، مجید و دل قندی، مزده(۱۳۹۲). بررسی اثر کیفیت نهادها و عملکرد سیاست های اقتصادی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه جی ۸ و اوپک (رهیافت خود رگرسیون برداری در داده های تابلویی)، دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه ای، شماره ۶.
- ۶- مداح، مجید(۱۳۸۹). تبیین اثر کیفیت نهادی برفساد اقتصاد: رهیافت لیزرل، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، شماره ۱۲.

چهارمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کی وی کی اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۷- محمدی، حسین (۱۳۸۹). دلایل تفاوت نهادهای اقتصادی و سیاسی در جوامع، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۹-۲۷۰.

۸- متوسلی، محمود، مومنی، فرشاد و فتح الهی جمال (۱۳۹۱). دلایل نهادی پایین بودن بهره وری در اقتصاد ایران، مجله نامه مفید، شماره ۴۳.

۹- Acemoglu, Daron, Simon Johnson, and James Robinson. (۲۰۰۴), "Institutions as the Fundamental Cause of Long-run Growth." NBER, Working Paper No. ۱۰۴۸۱. Cambridge, MA.

۱۰- Acemoglu, Daron, Simon Johnson, and A. James Robinson. (۲۰۰۱). "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation". The American Economic Review, no. ۵: ۱۴۰۱-۱۳۶۹.

۱۱- Barro, J. Robert. (۱۹۹۷). "Determinants of Economic Growth". Cambridge, MA: MIT Press.

۱۲- Hall, Robert E. And Charles I. Jones. (۱۹۹۹). "Why do Some Countries Produce so Much More Output per Worker than Others?" Quarterly Journal of Economics, ۱۱۴, no. ۱: ۱۱۶-۸۳.

۱۳- Knack, Stephen and Phillip Keefer. (۱۹۹۵). "Institutions and Economic Performance: Cross country Tests using Alternative Institutional Measures". Economics and Politics, no. ۳: ۲۰۶

۱۴- Rivera- Batiz, L. Francisco. (۲۰۰۲). "Democracy, Governance, and Economic Growth: Theory and Evidence." Review of Development Economics, no. ۲: ۲۲۵-۲۴۷.